

# گاهنامه فریاد خاوران

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی

فروردین 1396

شماره 4

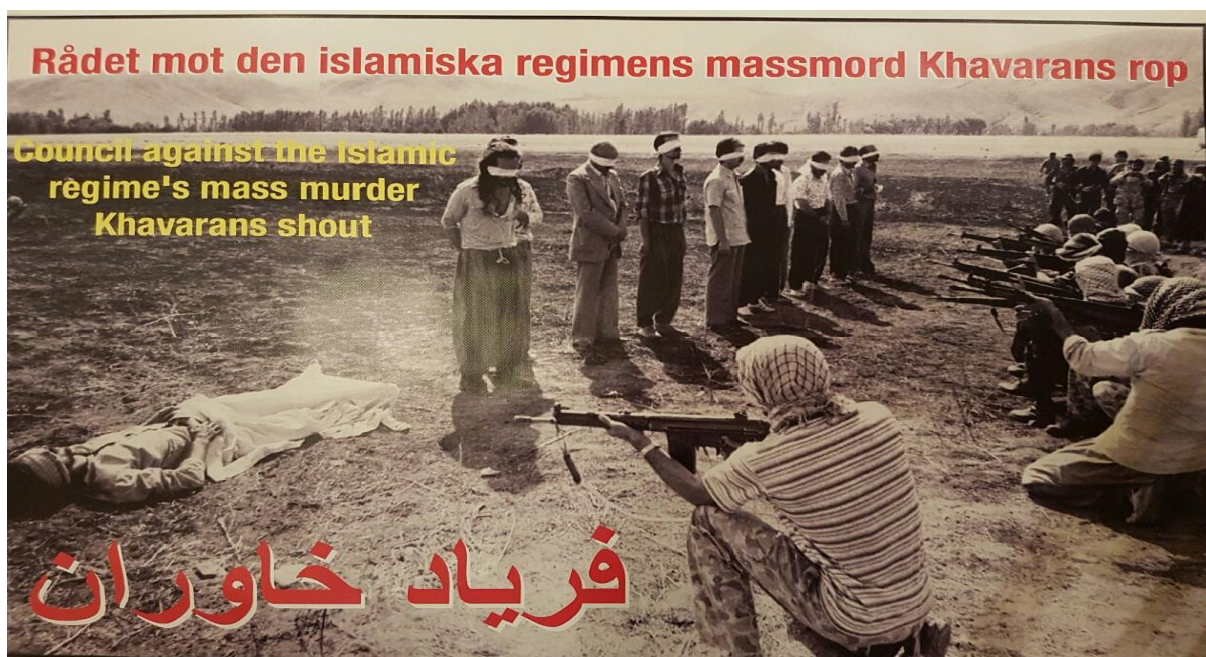
آوریل 2017

[shorahamkari@gmail.com](mailto:shorahamkari@gmail.com)

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به قدرت رسیدن، با زندانی کردن، شکنجه، اعدام، کشتار مخالفین، تحمیل فقر و بیکاری، افزایش اعتیاد و فحشا در جامعه به حیات خود ادامه داد. کماکان اکثریت جامعه از بی حقوقی کامل برخوردارند. نبود حق تشکل و اعتصاب، نبود آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب و دستگیری مخالفین، اقلیتهای ملی و مذهبی، کارگران، زنان، جوانان و تمامی نیروهای مترقی از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی است.

**شورا برای مقابله و افشاگری از این رژیم تشکیل شده است.**

شورا علیه کشتارهای جمعی دهه شصت، علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات مردم در ایران است و به هیچ دولت و یا نیروهای وابسته به دولتها اعتماد و وابستگی ندارد.



# متحد و یکپارچه علیه سیاستهای دولت فاشیستی اسلامی اردوغان پپاخیزیم!

رفراندم 12 فروردین 1358 جمهوری اسلامی در ایران = رفراندم 16 آوریل 2017 حکومت اردوغان در ترکیه



رژیم سرمایه داری اسلامی ترکیه به سرکردگی اردوغان ار بدو بقدرت رسیدن برای رسمیت دادن هر چه بیشتر احکام ارتجاعی مذهبی و ایجاد محدودیت هر چه بیشتر مردم ، شدت دادن به استثمار کارگران و زحمتکشان، به زیر سلطه کشیدن و بیحقوقی بیشتر زنان ، سرکوب عریان و وحشیانه مردم کرد و ... را دستور کار خود گذاشت. در یک کلام ساختن یک نظام ارتجاعی مانند جمهوری سرمایه داری اسلامی در ایران را در دست داشت. حکومت ارتجاعی اردوغان نقش ارتجاعی و جنگ طلبانه در منطقه و خوش خدمتی به دولتهای امپریالیستی را به پیش برده و به بهترین شکل نوکری خود به ناتو را به نمایش عموم گذاشته است. با همکاری مرتجعین در منطقه، سرکوب و کشتار، اذیت و آزار آزادیخواهان ، زندانی کردن فعالین و مخالفین، ایجاد جو پلیسی و خفقان را برای کارگران و مردم در ترکیه برای تامین هر چه بیشتر منافع اقتصادی به پیش برده است.

همچنانکه جمهوری اسلامی با رفراندم 12 فروردین 1358 به سرکوب و برقرار کردن قوانین ارتجاعی و ضد انسانی را پی ریزی کرد. دولت فاشیستی اسلامی اردوغان نیز در 16 آوریل 2017 رفراندم ضد انسانی را فراخوانده داده است تا جمهوری اسلامی مشابه ای را در ترکیه برپا سازد.

یکصدا و در همبستگی با کارگران و مبارزین و مردم مترقی در ترکیه به این رفراندم ارتجاعی و نقشه های ضد انسانی حکومت اردوغان نه باید گفت. مبارزه علیه مرتجعین اسلامی در منطقه را باید شعله ورتکررد و بساط اینچنین دولتهای ورشکسته و ضد انسانی را باید برچید.

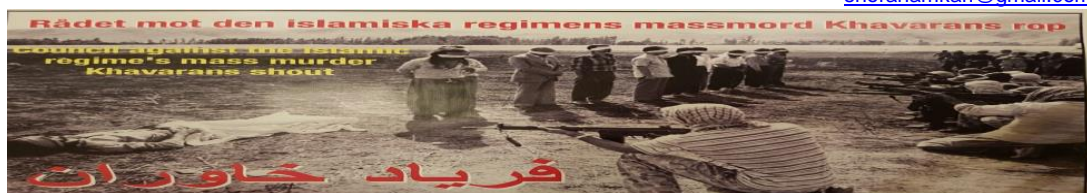
**متحدن علیه جمهوری اسلامی در ایران و حکومت ارتجاعی اردوغان در ترکیه پپاخیزیم!**

**شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی ( فریاد خاوران )**

**Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)**

آوریل 2017

[shorahamkari@gmail.com](mailto:shorahamkari@gmail.com)



# آسیب های اجتماعی در جمهوری اسلامی

## بیداد میکند!

فجایع اجتماعی در ایران بیداد میکند، با به سر کار آمدن جمهوری اسلامی بعد از سرنگونی رژیم شاه فجایع اجتماعی نه تنها کم نشد و از میان نرفت، بلکه بیوقفه ادامه یافت. در زیر بخشی از فجایع اجتماعی را ملاحظه میکنید. از میان رفتن این فجایع و آسیبهای اجتماعی تنها در گرو از میان بردن رژیم جمهوری اسلامی است.

خودکشی ها و خودسوزی ها، افزایش مرگ های ناشی از نپرداختن سهم و یا نداشتن حق بیمه، مرگ و بیماری های ناشی از سوء تغذیه، طلاق ها و افزایش پرونده ها در دادگاه خانواده، افزایش پرونده های جنایی عمدتاً به سبب دعوای طلبکار و بدهکار که منجر به قتل یا مصدومیت شده اند. ارقام رو به افزایش و باور نکردنی زندانیان عادی، گسترش اعتیاد به الکل و مواد مخدر و پیامدهای فاجعه بار آن، ترک تحصیل فرزندان کارگران و افزایش کودکان کار و خیابانی، فرار روز افزون دختران از خانه و... را شاهد هستیم.

### خودکشی:

طبق گزارش "خبر آنلاین در 24 اردیبهشت 1395، روزانه در ایران حدود 11 نفر خودکشی می کنند، یعنی سالانه حدود 4 هزار نفر. این در حالیست که به گفته یکی از مسئولان وزارت بهداشت و درمان، 75 درصد از خودکشی ها به دلایل مذهبی یا اخلاقی گزارش نمی شوند.

### خودسوزی:

در مورد خودسوزی ها اصلاً آماری در دست نیست. تنها به عنوان نمونه به نقل یک گزارش اکتفا می شود:

در ۲۳ اسفند ۱۳۹۳ یونس عساکره، ۳۴ ساله و پدر دو کودک در اعتراض به ضبط سه باره بساط میوه فروشی اش توسط شهرداری خرمشهر در برابر ساختمان شهرداری دست به خودسوزی زد و جانش را در بیمارستان از دست داد

به فاصله یک ماه دو شهروند ایرانی ابتدا در خرمشهر و سپس در تبریز اقدام به خودسوزی در ملا عمومی کردند.

هر دوی این خودسوزی ها پس از جمع آوری بساط دستفروشان توسط ماموران شهرداری و بیهودگی پیگیری آن ها انجام شد.

پس از آنکه بساط حمید فرخی دیزج، ۴۳ ساله و پدر سه کودک که در بازار تبریز بساط دستفروشی داشت با وجود داشتن مجوز دستفروشی توسط ماموران سد معبر شهرداری ضبط

شد، او در اعتراض چندین بار به شهرداری منطقه ۸ تبریز مراجعه می کند اما چون پاسخی نمی گیرد سرانجام در روز ۲۵ فروردین در یکی از اتاق‌های این ساختمان مقابل چشم مسئول مربوطه/مقابل ساختمان شهرداری (به دو روایت مختلف در رسانه‌ها) دست به خودسوزی می‌زند.

در اواخر سال ۱۳۹۲ نیز یک جوان تهرانی بعد از جمع شدن بساطش در ایستگاه مترو گلبرگ خود را جلوی واگن قطار انداخت و خودکشی کرد.

این‌ها تنها نمونه‌های اخیر این نوع رخداد هستند .

"سلسله علل این خودسوزی‌ها و خودکشی‌های فجیع در ایران روشن است: بیکاری و فقر گسترده و فزاینده، فقدان چترهای حمایت اجتماعی برای بیکاران و فقرا در ایران، نقض کرامت انسانی یک نان آور خانواده با محروم کردن وی از حداقل کاری که می‌تواند انجام دهد، فقدان نهادهایی برای کمک به افراد در حوزه بهداشت روانی، استیصال و احساس بن بست، و در نهایت تلاش برای گزیدن وجدان جمعی. فرخی قبل از آتش زدن خود در مقابل ساختمان شهرداری به کارکنان این نهاد گفته بود چنین اقدامی خواهد کرد اما آن‌ها بی‌توجهی کردند. در صورت معرفی فرخی به یک مددکار اجتماعی یا گذاشتن وی تحت مراقبت، امروز شاید وی زنده بود."

## مرگ ناشی از نداشتن بیمه:

از آنجا که آمار رسمی ولی ناقص مراکز دولتی تنها محدود به بیمه شدگان است، لذا هیچ‌گونه آماري از کسانی که به علت فاقد بودن بیمه و عدم امکان تأمین هزینه های درمانی و بیمارستان فوت کرده اند، در آن آمار جایی ندارند. اما اخبار تأثرانگیز این گونه مرگ و میرها در سال گذشته که مشخصاً ناشی از فقر بوده اند، کم نیستند، باضافه موارد بسیاری در مناطق محروم کشور که اساساً خبری از آنها منتشر نشده است.

## مرگ ناشی از سوء تغذیه:

متخصصین بهداشت جهانی، فقر و ناامنی تغذیه را علت عمده سوء تغذیه و مرگ و میرهای ناشی از آن دانسته اند. به گزارش 17 اردیبهشت 95 "سلامت نیوز": "... در استان هایی همچون کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان و ایلام، بیشتر کودکان در بدو تولد با وزن کم که ناشی از سوء تغذیه مادر در دوران بارداری است، به دنیا می آیند. که این موضوع عامل بیش از 260 نوزاد در قبال هر یک میلیون تولد در کشور است..."

در گزارشی از سازمان بهشت زهرا می خوانیم: "... 48 تهرانی در فاصله 21 ماه بر اثر سوء تغذیه مرده اند. ... اگر سوء تغذیه را نخستین نشانه فقر بدانیم، به نظر می رسد که فقر گریبان گروهی از شهروندان تهرانی را در چنگ دارد. این به معنای حضور فقر شدید در میان تهرانی هاست. ... این نمونه کوچک و ناقصی از وضعیت در پایتخت کشور است، می توان تخمین زد که در سراسر کشور، بویژه مناطق محروم این ارقام چندین برابر میزان تهران است. چندی پیش

دکتر علی اکبر سیاری، متخصص کودکان و فوق تخصص گوارش کودکان در این باره گفته است: 15 میلیون نفر در کشورمان کمبود دریافت غذا دارند که ناشی از فقر است...

به گزارش روزنامه جام جم، آمارهای رسمی سازمان بهزیستی و کمیته امداد نشان می‌دهد که دست‌کم نیمی از ۸۰۰ هزار کودک مبتلا به سوء تغذیه یعنی نزدیک به ۴۰۰ هزار کودک ایرانی به‌دلیل مشکلاتی همچون فقر مادی از تغذیه صحیح برخوردار نیستند.

## میزان طلاق‌ها:

براساس آمار ثبت احوال در سال گذشته (94) 163 هزار و 765 واقعه طلاق در کشور به ثبت رسید که این آمار در سال 93 حدود 163 هزار و 569 مورد بود.

براساس این گزارش آمار طلاق کشور در سال 92 نیز 155 هزار و 369 مورد به ثبت رسید.

در بررسی علل طلاق 15 علت را ذکر کرده اند که معضلات اقتصادی از قبیل بیکاری، سطح پایین درآمد و مشکل مسکن، در ردیف اول این علل قرار دارد.

به گزارش ایسنا؛ در سوم تیرماه 1395 رئیس کل دادگستری استان مرکزی به برخی آمارهای موجود در این دستگاه اشاره کرد و با بیان اینکه تعداد درخواست‌های طلاق از سوی زوجه افزایش یافته است، گفت: در سال گذشته از دو هزار و 827 مورد طلاق توافقی در استان مرکزی، هزار و 870 مورد به درخواست زوجه بود.

طلاق در ایران به یکی از بحرانی‌ترین مقاطع خود طی سال‌های اخیر رسیده است. هم‌اکنون ایران با نرخ خام طلاق ۲ درصد یکی از بالاترین آمارها در زمینه طلاق را در کشورهای منطقه دارد.

مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت گفت: طی امسال ظرف هر ساعت ۱۸ مورد طلاق و در هر روز ۴۴۳ مورد طلاق در سطح کشور ثبت شده است.

سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند که ۲۷ هزار مورد آن توافقی است.

جنتی رئیس مجلس خبرگان رهبری در 26 خرداد 1395 گفت: مسأله متلاشی‌شدن خانواده‌ها، بالا رفتن آمار طلاق، خطرانی که نسل جوان را تهدید می‌کند از مواردی است که می‌توانید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مورد آنها با مسئولان گفت‌وگو داشته باشید.

مکارم شیرازی یکی از مراجع تقلید گفت: اگر زن و شوهر در خط اعتدال حرکت کنند، مشاجره پیش نمی‌آید که پرونده‌های دادگستری و آمار طلاق افزایش پیدا کند؛ متأسفانه دائم به ما از افزایش آمار طلاق می‌گویند.

رئیس اداره جوانان دفتر سلامت وزارت بهداشت گفت: آمار طلاق در کشور رشد 53 درصدی داشته است و نسبت ازدواج به طلاق در سال 85 تا 93 بیانگر این است که طلاق بر ازدواج فزونی یافته است.

احمد رحیمی عضو هیات مدیره کانون مددکاران با اشاره به افزایش آمار طلاق در سال های اخیر در کشور تاکید کرد: جمعیتی که سال گذشته از یکدیگر متارکه کردند بیش از ۳ برابر ظرفیت استادیوم آزادی است و تبعات منفی این پدیده را در افزایش پرونده های کیفری، تنش های خانوادگی، رفتارهای پرخطر جنسی، بی هویتی کودکان و کمرنگ شدن انسجام اجتماعی می بینیم.

## ازدواج بیش از ۸۰۰ هزار کودک ایرانی زیر ۱۴ سال



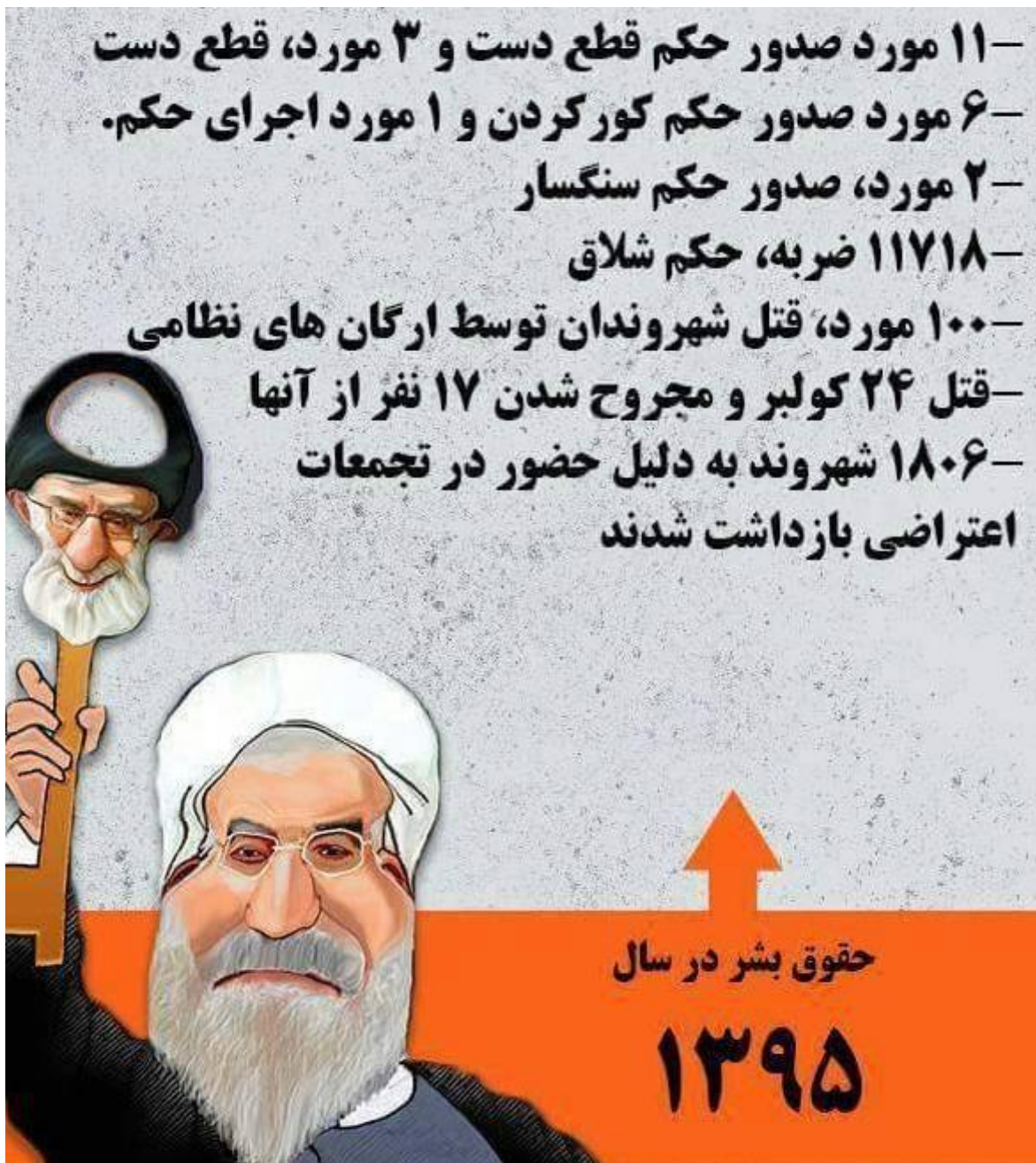
### افزایش پرونده ها در دادگاه خانواده:

رئیس دادگاه های عمومی و انقلاب تهران در بهار سال جاری اعلام کرد: «طلاق توافقی با ۲۷ هزار و ۳۲۰ فقره پرونده، در صدر دعاوی مجتمع های خانواده شهر تهران در سال ۹۳ قرار داشته است»

معاون دادستان کل کشور گفت: وقتی هر شعبه دادگاه خانواده هر ماه باید ۲۰۰ پرونده را مورد بررسی قرار دهد، دیگر حرفی برای گفتن نیست.

شادفر رئیس مجتمع قضایی شهید محلاتی گفت: با توجه به فعالیت و کار چند نوبته برخی خانم ها و آقایان، کسی که سه شیفت در شبانه روز کار می کند آیا با وجود این همه خستگی می تواند ذره ای وقت صرف خانواده کند و برای خانواده مفید باشد؟

وی کل ورودی پرونده های امور خانواده در این مجتمع را حدود چهار هزار تا چهار هزار و 500 پرونده در ماه عنوان کرد.



### افزایش پرونده های جنایی:

حجت الاسلام قاسم عبدالهی بیشترین فراوانی ارتکاب به جرم با 15 هزار و 118 مورد در استان تهران را مربوط به سرقت ذکر کرد.

به گفته حمید شهریاری معاون قوه قضائیه به تاریخ 5 تیرماه 1395:

## آمار پرونده ها در سال ۹۴

290 هزار پرونده وارده در مورد مطالبه وجه  
۲۵۰ هزار پرونده وارده در مورد مطالبه وجه چک  
۲۱۹ هزار پرونده مطالبه تاخیر تادیه  
۱۶۴ هزار پرونده وارده در مورد طلاق توافقی  
۱۳۰ هزار پرونده مطالبه مهریه  
۱۵۵ هزار پرونده مطالبه خسارت  
۸۶ هزار پرونده مطالبه نفقه  
۸۵ هزار پرونده الزام به تمکین  
۷۲ هزار پرونده طلاق به درخواست زوجه

## بیشترین پرونده های جنائی در سال ۹۴

۶۹۶ هزار پرونده سرقت  
۵۴۰ هزار ضرب و جرح عمدی  
۴۱۵ هزار پرونده توهین  
۱۳۳ هزار پرونده صدمه بدنی  
۳۱۵ هزار پرونده تهدید  
۲۰۶ هزار پرونده تخریب  
۱۸۸ هزار پرونده کلاهبرداری  
۱۶۲ هزار پرونده خیانت در امانت  
۱۴۲ هزار پرونده نگهداری مواد مخدر  
۱۳۲ هزار پرونده چک بلامحل

بررسی اخبار جنایی منتشر شده در سال 1394 حکایت از آن دارد که دستکم 21 کودک و یک جنین در فاصله اول فروردین تا 29 اسفندماه این سال به قتل رسیده اند. این تعداد خبر قتل حاصل از بررسی اخبار چند خبرگزاری از جمله خبرگزاری خبرآنلاین و خبرگزاری مهر در بازه زمانی اول فروردین تا 29 اسفند 1394 است. حاصل این بررسی نشان می دهد 21 عنوان خبری مربوط به قتل کودکان بوده است که در این جنایات 22 کودک شامل 10 پسر و 11 دختر و نوزادی که در شکم مادرش بوده به قتل رسیده اند.



## تعداد زندانیان عادی:

اصغر جهانگیر رئیس سازمان زندانها در 11 اردیبهشت 1395 گفت: حدود ۵۰ درصد زندانیان ما را مجرمان مواد مخدر تشکیل می دهند و اگر زندانیانی را که به طور غیر مستقیم مرتبط با مواد مخدر هستند به این جمع اضافه کنیم این رقم به حدود ۷۰ درصد خواهد رسید.

در گزارشی از رادیو زمانه آمده است: اگر نسبت زندانی به جمعیت هر کشور را مقایسه کنید ایران با ۳۶/۰ درصد نسبت زندانی به کل جمعیت کشور، در بین همه کشورهای جهان در رتبه نخست جهان (قبل از آمریکا با ۰/۸ درصد و چین با ۱۴/۰ درصد) قرار دارد. به بیان دیگر ایران به طور نسبی دو و نیم برابر بیش از چین و چهار برابر بیش از آمریکا دارای زندانی است. از سوی دیگر شواهد نشان می دهد که از سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۰ در ایران، تعداد زندانیان بیش از ۱۱ برابر شده است، یعنی از حدود چهل هزار و ۲۲ نفر به ۲۵۶ هزار نفر افزایش یافته و این در حالی است که جمعیت کشور طی این مدت فقط دو برابر شده است.

زندان قزلحصار برابر آمارهای رسمی، هم اکنون پانزده هزار زندانی دارد.

رضا محبوبی، معاون مرکز امور اجتماعی وزارت کشور در گفتگو با خبرگزاری رسمی ایرنا خیر داد که سالانه پانصد هزار نفر به زندان های کشور وارد می شوند. این در حالی است که ظرفیت زندان های کشور بر اساس آمارها ۱۴۰ هزار نفر و طبق آخرین آمارها بیش از ۲۱۰ هزار زندانی در کشور وجود دارد. رضا محبوبی همچنین گفته است که ورودی به زندان ها در کشور «بیش از مقیاس جهانی» است: «خانواده های زندانیان بی پناهترین قشر اجتماعی هستند، در حال حاضر تنها ۲۰ درصد از خانواده زندانیان تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند و خانواده زندانیان در بدترین شرایط بسر می برند،

مطابق آمارهای رسمی، بیش از دویست هزار نفر در ایران زندانی هستند. در بهمن ماه سال ۱۳۹۱ تعداد زندانیان ایران ۲۱۷ هزار نفر اعلام شده بود. حدود چهارده ماه بعد و در فروردین ماه سال ۱۳۹۳، این تعداد به ۲۱۰ هزار نفر کاهش یافت. اما در آذرماه همان سال تعداد زندانیان بیش از ۲۲۵ هزار نفر اعلام شد.

مراد فتحی مدیرکل زندان های استان اردبیل در جمع خبرنگاران گفت: «در حال حاضر بیش از چهار برابر ظرفیت زندان ها، زندانی داریم و نزدیک به سه هزار نفر زندانی در زندان های استان محکوم به حبس هستند.»

این مسئول، بیشترین دلیل ورود زندانیان به زندان های اردبیل را «مشکلات اقتصادی، فرهنگی و معیشتی» عنوان کرده است.

ایران یکی از پر زندانی ترین کشورهای دنیاست. غلامحسین اسماعیلی رییس سابق سازمان زندان ها تعداد زندانیان ایران را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده بود. مرکز بین المللی مطالعات زندان ها تعداد زندانیان ایران در سال ۲۰۱۲ را رقمی در حدود ۲۵۰ هزار نفر اعلام کرده و تعداد زندانیان در ابتدای سال ۲۰۱۳ را ۲۱۷ هزار نفر دانسته است.

با در نظر گرفتن آمارهای مختلف، جایگاه ایران در میان کشورهای دنیا از نظر نسبت زندانی به جمعیت در رده چهارم تا هشتم جهان قرار می گیرد. اگر آمار ۲۱۷ هزار نفر را بپذیریم، فقط هفت کشور دنیا بیش از ایران زندانی دارند. اگر نسبت تعداد زندانی به جمعیت را در نظر بگیریم نیز، فقط سه کشور امریکا، روسیه و برزیل بیش از ایران زندانی دارند و ایران چهارمین کشور پر زندانی دنیاست.

بنا بر آمار های پس از انقلاب، تعداد زندانیان در سال ۱۳۵۸ در حدود ۱۳ هزار نفر بوده است. اگر آمار سال ۱۳۵۸ را مبنا قرار دهیم، در حالی که ظرفیت زندان های ایران تاکنون افزایش اندکی داشته، تعداد زندانیان تقریباً ۱۶ برابر شده است. از نظر نسبت جمعیتی، در حالی که در سال ۱۳۵۸ به ازای هر صد هزار نفر ۴۳ زندانی وجود داشته این نسبت در حال حاضر ۲۸۱ نفر به ازای هر صد هزار نفر است. این در حالی است که میانگین تعداد زندانیان در آسیا، ۱۴۰ نفر به ازای هر صد هزار نفر و میانگین جهانی زندانی در دنیا، ۱۸۴ نفر به ازای هر صد هزار نفر است.





شباهت های تاریخی  
محمد رسول الله،  
خمینی  
و داعش

HotiPoti.com

✓	✓	✓	اعدام های دسته جمعی
✓	✓	✓	شکنجه
✓	✓	✓	سنگسار
✓	✓	✓	مخالفت با حقوق زنان
✓	✓	✓	حجاب اجباری
✓	✓	✓	تجاوز به زنان
✓	✓	✓	سرکوب مذاهب دیگر
✓	✓	✓	ادعای نمایندگی خدا
✓	✓	✓	صدور اسلام
✓	✓	✓	غارت اموال مخالفان
✓	✓	✓	ایجاد ترس و ارعاب
✗	✗	✓	ازدواج با دختر 6 ساله در 54 سالگی

## تعداد معتادین:

به گزارش ایسنا، آیت الله قربانعلی دری نجف آبادی در دیدار با مسئولان و دست اندرکاران دستگاه قضا در استان مرکزی آسیب اجتماعی مهم که گریبانگیر استان مرکزی شده است را اعتیاد عنوان کرد و گفت: بسیاری از شبکه ها و باندهای مواد مخدر هر ساله دست به توزیع گسترده

مواد مخدر می‌زنند، اما هیچگاه به دام نمی‌افتند و به جای دستگیری سرکردگان این گروه‌ها، خرده فروش‌ها به دام می‌افتند.

رئیس کل دادگستری استان مرکزی قاسم عبدالهی به جرایم موادمخدر استان نیز اشاره کرد و با بیان اینکه در سال گذشته 10 هزار پرونده ورودی مربوط به موادمخدر بوده است، افزود: علاوه بر این در سال گذشته 28 هزار و 195 لیتر مشروبات الکلی داخلی و 15 هزار و 870 لیتر مشروبات خارجی کشف شد.

معاون توسعه پیشگیری اداره کل بهزیستی قم حجت‌اله محمدزاده با بیان اینکه 51 درصد مصرف‌کننده‌های مواد مخدر در سنین 20 تا 29 سال قرار دارند، اضافه کرد: بر اساس این بررسی‌ها میانگین سنی مصرف‌کننده‌ها 32 سال است و از نظر شغلی نیز 34.6 درصد در گروه کارگران ساده و ماهر قرار دارند.

وی با بیان اینکه 91.2 درصد از معتادان دیپلم و زیردیپلم هستند، گفت: 41.7 درصد مصرف‌کننده‌ها مجرد، 47.9 درصد متأهل و 10.4 درصد نیز مطلقه هستند. محمدزاده افزود: همه معتادان پله‌های اعتیاد را با سیگار، حشیش، مشروبات الکلی و تریاک شروع می‌کنند و متأسفانه به مراحل کشیدن، خوردن و تزریق کردن می‌رسند. وی با بیان اینکه گرایش به اعتیاد پیامدهای منفی زیادی برای فرد و جامعه به همراه دارد، بیان کرد: منشا بیشتر مشکلات زندگی از جمله طلاق و جرایم مانند سرقت و کلاهبرداری به اعتیاد برمی‌گردد و زمانی که مصرف مواد مخدر در جامعه‌ای افزایش یابد به تبع آن گرایش به جرایم بیشتر می‌شود.

وی افزود: زمانی که فردی هروربین مصرف می‌کند، به دلیل اینکه زود خمار می‌شود نیازمند مصرف و پول بیشتری است و در نتیجه به سرقت، فروش اموال خود و خانواده روی می‌آورد.

## میزان ترک تحصیل محصلین:

با توجه به گزارش‌های مرکز آمار ایران و جمعیت 19 میلیون و 435 هزار نفری در سنین 7 تا 19 سال که باید آموزش خود را در مدارس ادامه دهند، بیش از 7 میلیون و 135 هزار نفر به دلایل مختلف قادر به ادامه تحصیل نیستند و در حقیقت بیش از 37 درصد دانش‌آموزان ایرانی مجبور به ترک تحصیل شده‌اند.

**یکی از علل ترک تحصیل:** ترک تحصیل دانش‌آموزان با وضعیت اقتصادی جامعه و خانواده در ارتباط می‌باشد. عواملی چون پایین بودن درآمد، مسکن نامناسب، عدم سرپرستی و حضور پدر و مادر در خانواده، کثرت فرزندان و طبقه پایین شغلی والدین بر ترک تحصیل فرزندان تاثیر دارد. پس مسلم است که کیفیت آموزش و تربیت در رشد جسمانی و قوای دفاعی دانش‌آموز در خانواده‌هایی با سطح پایین اقتصادی و فرهنگی جامعه و خانواده اثرات مستقیمی بر عدم پیشرفت فرزندان به جای می‌گذارد.

خانواده از لحاظ مالی ضعیف و در آمد پائینی دارد پاسخگویی نیاز فرزندان نیست ناچاراً فرزندان برای کمک به خانواده و کسب در آمد ترک تحصیل می نمایند.

به گزارش آفتاب، براساس اعلام مسئولان وزارت آموزش و پرورش در روزهای اخیر (سال 1391) تعداد دانش‌آموزان کشورمان از 12 میلیون و 800 هزار نفر در سال گذشته با کاهش 500 هزار نفری در سال جاری به 12 میلیون و 300 هزار نفر کاهش یافته که با توجه به تثبیت رشد جمعیت در سال‌های گذشته، کاهش جمعیت دانش‌آموزی حاکی از ترک تحصیل دانش‌آموزان به دلایل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

طی سال‌های گذشته یا در حقیقت در یک دهه گذشته با وجود ثبات نرخ رشد جمعیت در حد 1.5 درصد، کاهش جمعیت دانش‌آموزی کشور از 18 میلیون نفر به 12 میلیون نفر، نشان‌دهنده اضافه شدن حدود 6 میلیون دانش‌آموز به جرگه ترک تحصیل‌کرده‌ها است که بسیار نگران‌کننده و دردناک است چرا که بر این اساس از هر سه دانش‌آموز ایرانی؛ یک دانش‌آموز ترک تحصیل می‌کند و قادر به ادامه تحصیل نیست.

در بررسی علت ترک تحصیلهای صورت گرفته، علاوه بر فقر مالی که به اشتغال کودکان یا نوجوانان منجر میشود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا میکند به طوری که میزان بالای بیکاران تحصیل‌کرده سبب میشود دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان به ادامه تحصیل و رفتن به مقاطع بالاتر به شکل یک امر غیرضروری نگاه کنند و کسب درآمد از سنین پایین را بر گرفتن مدرک و پیوستن به جمعیت بیکاران ترجیح دهند!



## آمار کودکان کار و خیابانی:

در ایران آمار های مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می شود افراد مختلف تعداد آنها را از ۲۰,۰۰۰ نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده اند. فقر، از هم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، مهاجرت و .... به عنوان علل خیابانی شدن کودکان مطرح شده است.



در خرداد ماه سال ۱۳۸۲ در همایش بررسی آسیب های اجتماعی، تعداد آنان ۵۰۰ هزار نفر اعلام شد.

در سال ۱۳۸۲، ۳۱ هزار کودک خیابانی توسط سازمان بهزیستی جمع آوری و ساماندهی شد که ۸۰ درصد آنها کودکان کار بودند ۲۴۷۰۰ نفر آنها مربوط به تهران بوده است که از سطح شهر و پایانه های مسافربری جمع آوری شدند و حدود ۷۰۰ نفر آنها از اتباع افغان بودند. در سال ۱۳۸۳ نیز ۱۴۲۶۹ کودک خیابانی در کشور پذیرش شده اند.

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می کنند و به کارهایی مانند واکس زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی، جمع آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله ها و دعا فروشی در سر چهار راه ها، بازارها و یا مکانهای شلوغ و پر ترافیک می پردازند و ساعتهایی طولانی در معرض آلودگی های اجتماعی قرار می گیرند.

در ایران بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار میکنند (روزنامه ای ایران، ۲۹/دی/۱۳۸۳).

حدود ۶۰ درصد کودکان خیابان ایرانی هستند که کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۴۵ درصد کل کودکان خیابانی را شامل می شوند، همچنین ۳۴ درصد از کودکان خیابانی در حال تحصیل هستند، ۴۰ درصد ترک تحصیل کردند و ۲۴ درصد از بچه ها اصلاً به مدرسه نرفته اند.

در ایران بر اساس آمارهای رسمی چند سال گذشته، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار میکنند. البته در مورد آمار اعلام شده از طرف ارگانهای حکومت و مراکز غیر انتفاعی و خصوصی اختلافات فاحشی وجود دارد...

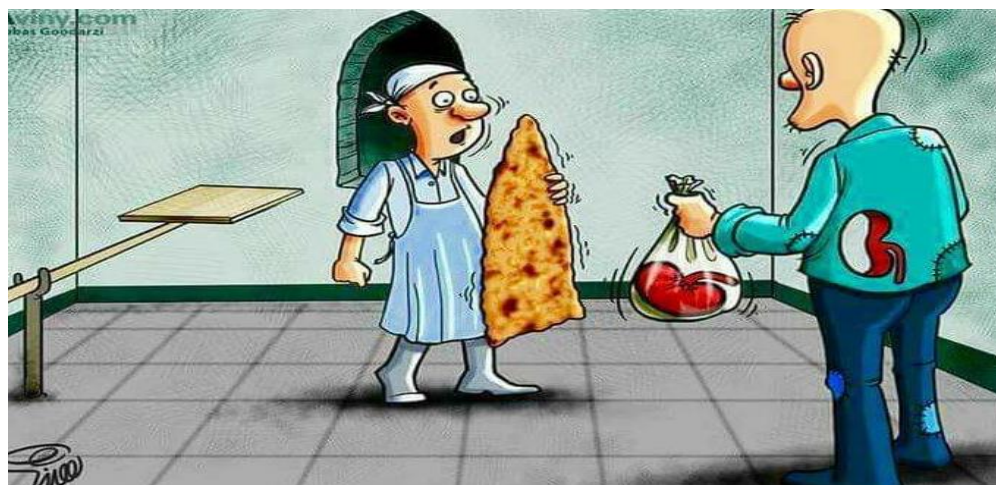
## میزان فرار دختران:

احمد دلبری مدیر کل بهزیستی استان تهران در همایشی به تاریخ 25 مرداد 94 به آمار فرار دختران از منزل اشاره کرد و گفت: متأسفانه این پدیده روز به روز در حال افزایش است و سالانه 10 الی 15 درصد به آمار فرار دختران (14 تا 18 سال) افزایش می یابد.

بر اساس گزارش سازمانها و نهادهای مختلف، آمار فرار دختران ۱۴ تا ۱۸ سال از منازل رو به افزایش است. این در شرایطی است که مرکز آمار ایران اعلام کرده ۳۰ درصد از جمعیت کشور را جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می دهند؛ رقمی که جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر را شامل می شود.

۹۰ درصد دختران فراری به دلیل مشکلات خانوادگی از خانه فرار می کنند و سن آنها به ۱۲ سال رسیده است.

این آمار را چند ماه پیش حبیب الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی بهزیستی اعلام کرد. آماري که تا چند سال قبل جزو خط قرمز های مسئولان بود ولی این روز ها آنقدر افزایش داشته که آمار آن را می دهند. هر چند آمار دقیقی از دختران فراری در دست نیست، ولی آنها هستند، همه جای شهر، قبلاً ۲۰ تا ۲۵ ساله بودند حالا ۹ تا ۱۲ ساله.



## گزارشی درباره مشکلات کارگران معدن سنگ آهن بافق بدلیل عدم پرداخت 2 ماه حقوقشان!

یکی از کارگرهای شرکت سنگ آهن مرکزی گفت: دو ماه حقوق ندادن باعث شده است که حتی خیلی از جاها چک های ما اعتبار ندارد.

وی افزود: حساب دفتری چون سنگین شده برایمان خط و نشان کشیدند و اعتماد هم نباشد به حساب کتاب ما و قبلا می گفتیم در فلان شرکت کار می کنیم و برایمان حساب باز می کردند ولی الان می گویند شرمنده چون اوضاع خیلی به هم ریخته شده نمی توانیم حساب دفتری بازکنیم. این بحث های مالی فشاری که به خاطر عدم توانایی مالی سراغ ما می آید واقعا آزار دهند است.

این کارگر در ادامه بیان داشت: این حقوقی که به کارگرها داده می شود برای ساخت و ساز خانه که بیشتر آن وام بانکی و اجاره خانه و یا قسط خودرو خرج می شود و برای خودمان نیست و چون آنرا دیر به دیر پرداخت می کنند غصه این را داریم که باید دیر کرد و امها و قسط ها را بدهیم.

وی با ابراز ناراحتی از اینکه بانکها حساب ضامن ها را مسدود می کنند گفت: باید پیش آنها خجالت بکشیم. از مسئولین تقاضا داریم فقط پیگیری کنند و علت ریشه یابی شود. یک شرکت به هر حال مدیریت دارد باید طوری عمل کند که آینده نگر باشد. باید بهتر از این عمل می کردند و زودتر از این به فکر این روزها بودند.

این کارگر بیان داشت: حقوق بالای بعضی از مسئولین با فیش میلیونی می توانند حقوق 10 کارگر یا بیشتر را بدهند.

یکی از کارگران قرارداد معین شرکت سنگ آهن گفت: بنده دارای 10 سال سابقه کار می باشم حقوق ماهیانه بنده آنقدر زیاد نیست که بتوانم پس اندازی داشته باشم. اگر یک ماه حقوق ما عقب بیافتد تمام زندگی ما به هم می ریزد. اگر نمی توانستیم از مغازه بصورت نسیه خرید کنیم حتی برای خوراک خانواده هم مشکل داشتیم. بعضی وقتها فکر می کنم اگر پول یارانه پرداخت نمی شد شاید پول برای خرید نان هم نداشتیم.

یکی از خانم هایی که همسرش کارمند شرکت سنگ آهن می باشد گفت: این مدت که حقوق ها حدود دو ماه است عقب افتاده بر اثر فشار طلب کارها هر روز جنگ اعصاب داریم. چون شوهرم فقط سنگ آهن کار می کند و هیچ در آمد دیگری ندارد. این حقوق فقط کفاف مخارج زندگی روزانه را می کند.

یکی دیگر از کارگران گفت: بعضی از مدیران معدن خودشان حقوق میلیونی دریافت می کنند و حتی در بافق زندگی نمی کنند و هر کدام خانه های مجلل در شهرهای دیگر دارند. آیا به فکر کارگری با حقوق یکی دومیلیون با این گرانی و خانه اجاره ای هستند. تا کی با وام درصد بالا اگر زمین داشته باشد خانه بسازد؟

یکی دیگر از کارمندان شرکت گفت: از تابستان سال گذشته نصف هزینه سفر به ما پرداخت نشده است و تا به حال همیشه گفته اند پول نیست. هر سال بن هایی به مناسبت های مختلف به کارگران شرکت پرداخت می شد ولی متأسفانه از سال گذشته تا به حال نسبت به قبل، از نصف هم کمتر شده است.

البته قابل ذکر است که مدیر عامل شرکت سنگ آهن در جلسه کارگروه 19 اردیبهشت خاطر نشان کرد: اگر حقوق هر ماه را تا 25 ماه آینده هم پرداخت کنیم، هیچ عقب افتادگی در پرداخت حقوق نداریم. اما الان حدود 20 روز هم از 25 ماه قبل گذشته و تا ده روز دیگر طبق صحبت جنابعالی باید حقوق ماه خرداد را هم پرداخت کنند.

منبع: بافق خبر-15 تیر

اعضای کمیته مرکزی شورای رهبری  
کمون پاریس در محل استقرار این شورا

**پیام کموناردهای پاریس به مردم جهان: کشور**  
واژه‌های غلط و غیر حقیقی، اما انسانیت واژه‌های  
درست و حقیقی است! اسامی کشورها، واژگانی  
هستند نظیر بتان و خدایان که توسط روحانیون و  
پادشاهان ساخته شده‌اند تا انسانها را در محدوده  
معینی محصور و در جهت منافع شخصی خود  
بکار گیرند. اینکه ما بطور تصادفی در اینجا و یا آنجا متولد شده‌ایم،  
ملیت ما را ساخته و از ما دوست و یا دشمن میسازد. بی‌ایم اسامی  
کشورها را به واژگان توخالی و بی ارزش تبدیل کنیم. کشور ما جایی است  
که در آنجا آزادی، برابری، رفاه و عدالت باشد... کارگران و مردم جهان:  
خورشید در حال دمیدن است و به نابیناییها پایان خواهد بخشید.  
**سرنگون باد مستبدین و جلادان! مُرده باد فرانسه! زنده باد بشریت!**



بیخدایان بیوطنان



## نامه سرگشاده کارگر شهرداری دهدشت به شهردار!

آقای شهردار سلام من یکی از پرسنل شهرداری دهدشت میخوام کمی با شما درد و دل کنم. آقای شهردار می دانید که ما تمام خرج زندگیمان حقوقمان هست. تاخیر در پرداخت حقوق باعث شده تا اقساط واممان معوق شود. بدهکار در بازار شویم. حتاً هیچ بانک و موسسه ای حاضر به پرداخت وام به من نمی باشد.

جناب شهردار مگر گناه ما چیست که باید تاوان این بی مدیریتی را بدهیم. شما هم خودت و هم همسرت شاغل هستید و نیازی به حقوق شهرداری ندارید و هیچوقت زن و بچه ات با شکم گرسنه خوابیده اند. کرایه خانه نمیدهی، کرایه تاکسی نمیدهی و در خانه ی خودت کنار زن و فرزندت راحت میخوابی. اما آقای شهردار من کارگرم و محتاج نان شب. نمی توانم شکم گرسنه ی زن و فرزندم را ببینم.

میدانی چند وقت است رنگ گوشت را ندیده ام. غذای ما شده گوجه های خراب مغازه ها که می خواهند به حیوانات بدهند، با التماس از آنها میگیرمشان برای شام و نهار خانواده ام. جناب شهردار نه حقوق میدهی و نه اضافه کار و نه عیدی سال ۹۴ را. نامه ی بانک برابم آمده که ضامن هایم را به دادگاه احضار کنند آنهم به دلیل عدم پرداخت حقوق.

جناب شهردار مگر میشود من پدر خانواده بیخیال باشم و ببینم فرزندام حسرت به دل باشند. میدانی آخرین باری که برای فرزندم لباس خریدم کی بود؟ جهیزیه دخترم را نتوانستم مهیا کنم و بخاطر فقر و نداری لگد به بخت دخترم زده شد. شش ماه هست که خانواده ام آرزوی دیدن تلویزیون را دارند و نمیتوانم حتی تلویزیونم را تعمیر کنم. یخچالم یک فیبر است که با یخهای همسایه پرش کرده ام. نان بچه هایم مانده ی نان همسایه ها است و لباسشان دیوار مهربانی.

جناب شهردار درد بدیست که یک پدر شرمنده ی فرزندانش باشد تجربه نکردی که بتوانی دردم را درک کنی. اما شما حواست به ما نیست. تمام دغدغه ات تثبیت خود در پُستت می باشد و شب و رزوت شده رایزنی برای ماندن. بجای این همه رایزنی به فکر زن و بچه های ما باش. خداوند ناظر است و منی که شرمنده ی زن و فرزندم هستم را می بیند و شما باید جوابگو باشی. جناب شهردار مگر کار شهردار چیست؟ یعنی نمیتواند یک حقوق را پرداخت کند؟ نمی تواند لااقل مبلغی به عنوان مساعده به ما بدهد که حداقل این گونه شرمنده ی خانواده نباشیم.

جناب شهردار اشک های شبانه ی من را فقط خدا می بیند چون اگر خانواده ام ببینند کمرشان می شکند. وقتی ستون خانواده بشکند خانواده از هم می پاشد. جناب شهردار تحمل این همه فشار و درد و شرمندگی را نداریم. کوه هم باشیم کمر خم می کنیم. جناب شهردار وقتی از دری فقر وارد شد از در دیگر ایمان خارج می شود و یادت باشد فقر باعث همه ی بدبختی های یک خانواده است. اگر مانده ی غذاهای همسایه های من نبود و اگر دیوار مهربانی این مردم مهربان نبود، چه بلایی بر سر خانواده ام می آمد؟

آیا باید گدایی کنم یا دزدی؟ یا به سمت پول نزول روی بیاورم؟ چرا باید ایمانم را بدهم آن هم بخاطر عدم مدیریت شما؟ جناب شهردار حداقل کار یک شهردار پرداخت حقوق و مطالبات پرسنل است که شما در پرداخت همین حداقل هم ناتوان هستید.

پس بخاطر دل خانواده ای گرسنه ی ما یا حداقل وظیفه ی خود را انجام بده یا بگذار دیگری بیاید و بیشتر از این ما شرمنده ی خانواده نشویم که هم خدا راضیست و هم بنده ی خدا. در پایان جناب شهردار من شرمنده ی خانواده ام بشوم، شما شرمنده ی خداوند می شوی که یک خانواده را به سمت نابودی سوق می دهی. پس حواست باشد که گونه ای قدم بردار که بدهکار شکم گرسنه ی پای برهنه ی ماها باشی.

منبع: عصر دنا-6 اردیبهشت



## جزئیات 555 هزار شکایت کارگران در رابطه با دستمزد؟

تعداد پرونده‌های اختلافات شغلی در بازار کار ایران به مرز یک میلیون مورد رسیده که ۵۵۵ هزار مورد از آن تنها مربوط به مباحث مربوط به دستمزد، حق مسکن، حق عائلهمندی، تفاوت مزد، عیدی و پاداش است.

به گزارش 5 خرداد مهر، بررسی جدیدترین آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کار نشان می‌دهد موضوع دستمزد و مسائل مرتبط با آن یکی از پُرچالش‌ترین و اختلاف‌برانگیزترین مباحث در روابط بین نیروی کار و کارفرمایان است و در سال‌های اخیر تعداد پرونده‌ها در این بخش به مرز یک میلیون رسیده است.

کارشناسان می گویند به دلیل ناتوانی دولت ها در واقعی کردن دستمزدها و حقوق و مزایای نیروی کار از یک سو و افزایش هزینه های معیشت و زندگی به ویژه در کلان شهرها، باعث بروز اختلافات فراوانی بین کارگران و کارفرمایان شده تا جایی که تنها در فاصله سال ۹۲ تا ۹۴ به تعداد کل پرونده های تشکیل شده در هیئت های حل اختلاف ۱۸۱ هزار مورد افزوده شده است.

بر پایه آمارهای وزارت کار، در سال ۹۲ مجموعاً ۷۵۲ هزار و ۸۵۶ مورد شکایت کارگران از کارفرمایان در مراجع حل اختلاف ثبت شده بود که این میزان در سال ۹۴ به ۹۳۴ هزار و ۱۳۱ مورد افزایش یافت. نکته حائز اهمیت اینکه از کل شکایات صورت گرفته در سال گذشته، ۵۵۵ هزار و ۷۵۵ مورد تنها مربوط به مباحث دستمزد و مزایای جانبی حقوق بوده است.

## اختلافات در بازار کار رو به افزایش

متأسفانه وجود حدود یک میلیون پرونده شکایت در بازار کار ایران نشان دهنده بروز مشکلات و مسائل جدی و افزایش تضاد منافع نیروی کار و کارفرما است در حالی که معمولاً دولت ها همواره بر این نکته تأکید دارند که در دوره فعالیت آنها اختلافات اندکی در روابط بین کارگران و کارفرمایان وجود دارد و آنها در نهایت همکاری با یکدیگر قرار دارند، آمارها وجود چنین شرایطی را نشان نمی دهد.

تنها در سال ۹۴ از کل حدود یک میلیون پرونده شکایت در مراجع حل اختلاف، ۱۳۰ هزار و ۵۵۲ مورد مربوط به حقوق معوقه، ۶۰ هزار و ۲۶۶ مورد درباره نپرداختن حق مسکن توسط کارفرمایان، ۱۳۸ هزار و ۱۹۴ مورد درباره عیدی و پاداش و ۴۵ هزار و ۹۰۹ پرونده هم مربوط به تفاوت مزد بوده است.

بنابراین می توان اینگونه گفت که عدم توان دولت تدبیر و امید در بهبود اوضاع معیشت کارگران و ناتوانی در افزایش واقعی دستمزدها در فاصله سال های ۹۲ تا ۹۴، بر تشدید اختلافات در بازار کار موثر بوده و کارگران معمولاً در زمینه های مانند اضافه کاری، مزایای رفاهی و انگیزشی، حق عائله مندی و سایر موارد یاد شده با کارفرمایان خود به مشکل برخورد کرده اند.

در عین حال، وجود ۱۱۳ هزار و ۳ پرونده در زمینه حق بیمه اجتماعی در سال ۹۴ نیز نشان دهنده وجود اختلافات جدی در این بخش است. چرا که نباید از یاد بُرد که در تمامی موارد یاد شده، پرونده های حل اختلاف تشکیل شده در هیات های تشخیص می تواند به مراتب بالاتر از آمارهای ارائه شده باشد.

## برخی از ترس اخراج شکایت نمی کنند

به بیان دیگر، ممکن است هزاران نفر دیگر از شاغلان نیز در حال حاضر رضایتی از برخی مزایا و یا تعاملات با کارفرمایان نداشته باشند ولی ترجیح می دهند به دلایلی مانند از دست ندادن شغل سکوت کرده و راهی هیات های حل اختلاف نشوند. به عبارت دیگر، حدود یک میلیون

نفری که تصمیم گرفته اند در سال ۹۴ امنیت شغلی خود را نادیده گرفته و خطر بیکاری را به جان بخرند، نشان دهنده وجود مسائل و مشکلات جدی و عمیق در بازار کار ایران است.

موضوع مربوط به عیدی و پاداش پایان سال مشمولان قانون کار در سال ۹۴ بالاترین میزان دادخواست ها را به خود اختصاص داده و ۱۴/۸ درصد از کل پرونده ها در این زمینه تشکیل شده است. اختلافات در این باره نسبت به سال ۹۲ به میزان ۳۸/۷ درصد افزایش یافته است.

علاوه بر موضوع عیدی و پاداش و اختلافات کارگران و کارفرمایان در این باره، مباحثی مانند حقوق معوقه و حق بیمه های اجتماعی در رتبه های بعدی قرار دارند که پرونده های آن نسبت به سال ۹۲ به ترتیب ۲۸/۷ درصد و ۴۲/۷ درصد افزایش یافته است.

در سال ۹۳ مجموعاً ۸۲۸ هزار و ۳۹ مورد پرونده شکایت در هیات های حل اختلاف تشکیل شده که در این سال نیز ۵۰۲ هزار و ۵۳۹ مورد تنها در زمینه های دستمزد و موضوعات مرتبط با آن بوده است. در صورتی که روند رو به افزایش تعداد اختلافات و شکایات در بازار کار ادامه یابد، احتمالاً در سال جاری تعداد پرونده ها به بیش از یک میلیون مورد خواهد رسید.

منبع: خبرگزاری مهر، ۵ خرداد ۱۳۹۵



# ما زندانیان سیاسی با اعلام خواستهایمان به استقبال اول ماه مه میروم!

ما جمعی از زندانیان سیاسی در آستانه روز جهانی کارگر، بعنوان کسانی که نمونه ای از محاکمات ناعادلانه و صدور احکام امنیتی بخاطر مبارزاتمان در دفاع از انسانها در زندانیم و بعضا سالهاست که در بازداشت بسر میبریم. با اعلام خواستهای فوری مان به استقبال روز جهانی میرویم و میخواهیم که صدای اعتراضمان را به گوش همه مردم و جهانیان برسانیم.

البته این صدای اعتراض ما تنها نیست. این صدای اعتراض همه کسانی است که در زندانند. این صدای اعتراض همه کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی است که بخاطر اعتراضاتشان، به دستمزدهای زیر خط فقر، به فقر و فلاکت و بی تامینی، به تبعیض و نابرابری، به بی حقوقی و نداشتن حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای و..، تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و عناوینی از این دست تحت پیگرد قرار میگیرند. دستگیر و زندانی میشوند و با احکام زندانی طولانی بهترین سالهای زندگی شان را در بند بسر میبرند.

اعتراض ما زندانیان سیاسی به همه این بیحقوقی است. به سیستم ظالمانه دستگاه قضایی است. به سرکوب اعتراضات ما مردم تحت بهانه های امنیتی و محرومیت از پایه ای ترین آزادی ها در سطح جامعه است. میدانیم که مثل هر سال تشکلهای کارگری، فعالین کارگری و اکتیویست های اجتماعی بیانیه ها و قطعنامه های فراگیر خود را میدهند. بیانیه هایی که خواستهای مشترکی آنها را به هم پیوند میدهد و بدون شک خواستهای ما زندانیان سیاسی را هم نمایندگی میکند. از همین رو ما زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر، علاوه بر دیگر قطعنامه های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر که فریاد اعتراض هم طبقه ای های ما را علیه فقر، علیه تبعیض، علیه نابرابری و برای یک زندگی انسانی است و بدون شک امضای ما را نیز همراه دارد، ما امسال تصمیم گرفتیم که با خواست آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و خواستهای فوری مان که در زیر بر شمرده ایم به استقبال اول مه، روز جهانی کارگر برویم و صدای اعتراضمان را بلند کنیم.

آزادی های پایه ای سیاسی ما مردم را میگیرند. ما را از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق آزادی بیان و دیگر حقوق پایه ای مان محروم میکنند، تا بتوانند اعتراضاتمان

را علیه فقر و استثمار و بیعدالتی و برای داشتن یک زندگی شایسته انسان، عقب بزنند. و وقتی هم اعتراض میکنیم و حق و حقوقمان را میخواهیم، با انگ امنیتی مورد تهدید و پیگرد قرار میگیریم و دستگیر و زندانی میشویم. ما با تاکید بر حقوق پایه ای چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق آزادی بیان و آزادی های پایه ای جامعه اعتراض و مبارزه علیه فقر و فلاکت و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی را حق بدون قید و شرط همه مردم میدانیم .

ما از همگان میخواهیم که صدای ما را همگانی کنند و از خواستهایمان حمایت کنند. خواستهای فوری ما به قرار زیر است :

- ۱- ما خواستار اعاده دادرسی و باطل شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای خودمان و تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی هستیم.
- ۲- ما احکام صادر شده زندان برای خودمان و تمامی زندانیان سیاسی را از مصادیق بارز امنیتی کردن مبارزات مردم علیه فقر و فلاکت و برای داشتن یک زندگی شایسته انسان میدانیم و خواستار لغو فوری این احکام هستیم.
- ۳- ما خواستار پایان دادن به تهدید، فشار، پیگرد و دستگیری فعالین اجتماعی بخاطر مبارزات برحقشان در دفاع از زندگی و معیشت خود تحت عناوین امنیتی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" هستیم. به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی باید خاتمه داد. تشکل، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان حقوق پایه ای ماست .
- ۴- ما خواستار پایان دادن به محاکمات ناعادلانه که هیچ تطابقی با موازین بین المللی ندارد هستیم. دادگاهها در همه جا باید علنی، با حضور هیات منصفه و حق داشتن وکیل باشد. و اینها فقط یک حداقل است. جرم ما دفاع از حقوق انسانهاست و اگر اینها جرم است، با کمال میل برای حضور در یک دادگاه علنی در برابر مردم و با حضور هیات منصفه و داشتن حق وکیل آماده ایم .

و در اخر به عنوان یک خواست اضطراری، ما خواستار پایان دادن به وضع نابسامان زندانها، قرار گرفتن تمامی زندانیان بیمار تحت درمان، حق برخورداری از مرخصی و دیدار خانواده و پایان دادن به فشارهای روحی و جسمی در زندانها هستیم .

ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام هستیم.

ما انتظار بیشترین حمایت از این خواستها را از شما کارگران، معلمان، مردم معترض و همه نهادهای کارگری در سراسر جهان را داریم.

امضاء ها: سعید ماسوری، بهنام ابراهیم زاده، حسن صادقی، ابراهیم فیروزی، رضا اکبری منفرد، امیر امیرقلی پور، جواد فولاد وند، مهدی فراهی شانندیز، شاهین ذوقی تبار، محمد اکرمی، مهدی امیری، عباس توکلی، علیرضا ناصری، رضا گاهه، امیر حسن وند سیار، اسد محمدی، محسن قندهاری،

اردیبهشت 96

# سرمایه دار، سرمایه دار است!

میخواهد ایرانی باشد یا سوئدی و یا در جای دیگر متولد شده باشد!

مسلمان باشد یا آتئیست!

فرقی نمیکند که زن باشد یا مرد!

مدرات یا لیبرال و یا دمکراتهای سوئد باشد!

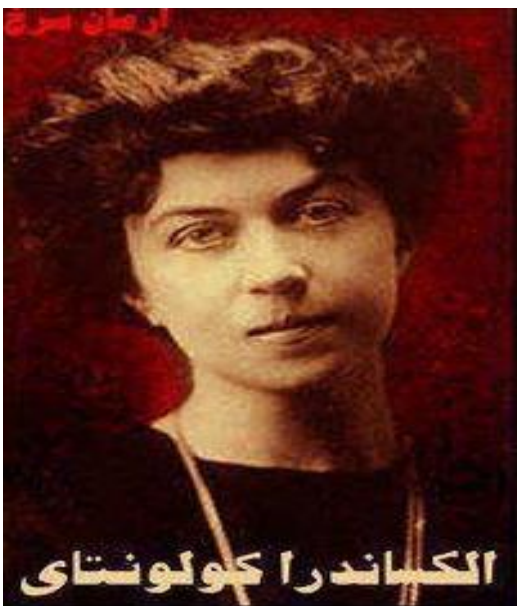
فمینیست باشد یا سوسیال دمکرات!



جملات زیبا از بزرگان جهان

در سال 1871 در کمون پاریس، وقتی کارگران شکست خورده بودند، زنان پورژوا، حتی از مردان حیوان صفت خود، در انتقام خونینشان از پرولتاریای سرکوب شده پیشی گرفتند. زنان طبقات دارا همیشه بطور تعصب آمیزی از استثمار زنان کارگر دفاع کرده اند

رُزا لوگزامبورگ

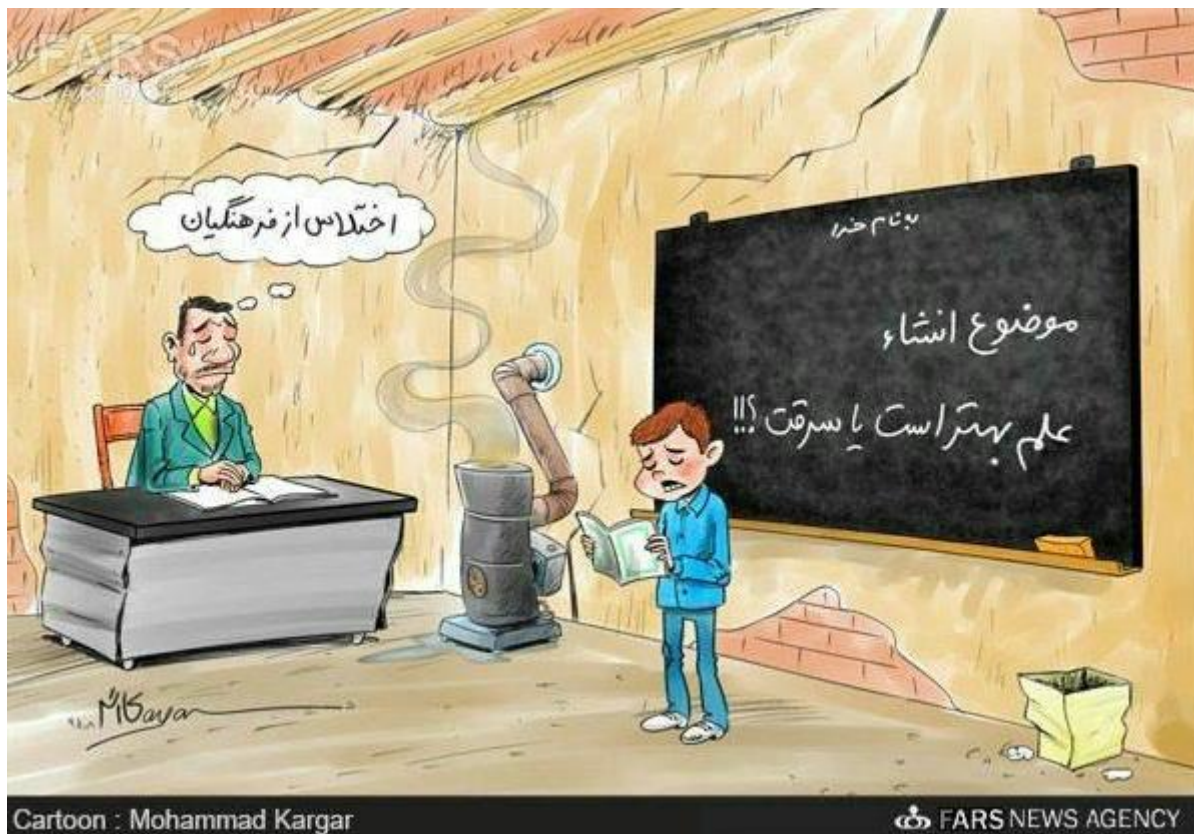


الکساندرا کولونتای

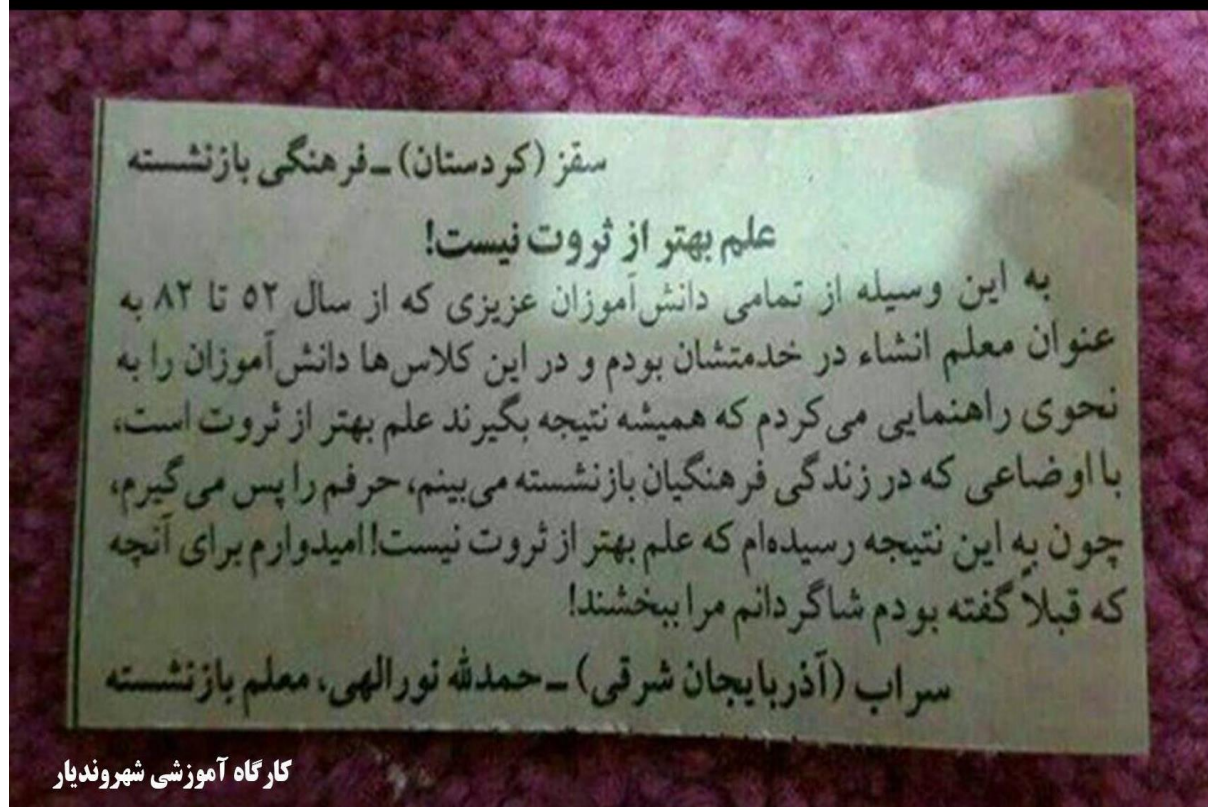
هدف فمینیست ها چیست؟ هدف آنها، این است که همان مزایا، همان قدرت و برتری، و همان حقوقی را در چهار چوب جامعه سرمایه داری کسب نمایند که هم اکنون شوهران، پدران و برادران شان از آنها برخوردار هستند.

هدف کارگران زن، چیست؟ هدف آنها، نابودی و لغو تمامی امتیازاتی است که از روابط موروثی و یا از ثروت و دارائی افراد نشأت گرفته است. برای یک زن کارگر، این که آیا "سرور" مرد است یا زن، موضوعی است علی السویه. او به همراه کل اعضاء هم طبقه اش می تواند موقعیت خود را به عنوان یک کارگر، بهبود بخشد.

روز زن (۱۹۱۳)



## پیام یک معلم بازنشسته در یک روزنامه محلی





# متحد و متشکل علیه سیستم و نظامی که بانی زندان، شکنجه و اعدام است، بپاخیزیم!

رژیم استبدادی در ایران، یکی از دستاوردهای سیاه اش قصاص است، رژیمی که با سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه و اعدام به سرکار آمد، کماکان به همین روال تا کنون به حیاط خود ادامه داده است و کلیت این رژیم متحدا برای حفظ حکومت و منافع خود از هیچ وحشیگری دریغ نمی کند.

اعدام ریشه و گذشته های دور و تاریک در زندگی و حیاط انسانها را دارد، اما در شرایط کنونی ایران، یکی از کشورهای سیاهی است که ارقام اعدامش حتی صدای اعتراض بخشی از دولتها و نیزدم و دستگاههای مختلف جهانی را در آورده است. این ننگ بشریت است که کماکان دولتهایی موجودند که از ابزار سرکوب، زندان، شکنجه، مجازات مرگ و اعدام استفاده میکنند.

ضروری است به جای ستایش جلادی که یک دسته ای از "جنایتکاران" را اعدام میکند تا جا را برای "جانیان" بعدی باز کند، بطور جدی درباره تغییر سیستمی اندیشید که چنین جنایتهایی را بوجود می آورد.

این چه جامعه ای است که وسیله بهتری برای دفاع از خود جز جلاد نمی شناسد؟ باید برای لغومجازات مرگ و حکم اعدام، بدون قید و شرط متحد و متشکل شد و نیز خواهان نابودی چوبه دار و اعدام گردید.

باید خواهان آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شد.

برای تغییر سیستم و نظامی که بانی این فجایع و جنایتها است، باید متحد و متشکل بپاخواست.

## شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی ( فریاد خاوران )

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

[shorahamkari@gmail.com](mailto:shorahamkari@gmail.com)



## اهداف و آئین نامه

### شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی

### ( فریاد خاوران )

#### اهداف شورا

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به قدرت رسیدن، با زندانی کردن، شکنجه، اعدام و کشتار مخالفین و تحمیل فقر و بیکاری، افزایش اعتیاد و فحشا در جامعه به حیات خود ادامه داد. کماکان اکثریت جامعه از بی حقوقی کامل برخوردارند. نبود حق تشکل، اعتصاب، آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب مخالفین، اقلیتهای ملی و مذهبی، کارگران، زنان، جوانان و تمامی نیروهای مترقی از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی است.

شورا برای مقابله و افشاگری از این رژیم تشکیل شده است.

شورا علیه کشتارهای جمعی دهه شصت، علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات مردم در ایران است و به هیچ دولت و یا نیروهای وابسته به دولتها اعتماد و وابستگی ندارد.

#### روش کار

- انتشار اطلاعیه و اخبار مبارزات به زبانهای فارسی و سوئدی
- برگزاری جلسات بحث و گفتگو، بحث آزاد و شور و مشورت جمعی
- برگزاری شبهای همبستگی
- تماس با نیروهای مترقی دیگر کشورها برای همکاری
- جلب همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مترقی مردم در ایران
- تشکیل گروههای کاری
- برگزاری آکسیونها و گردهمائی های اعتراضی و افشاگرانه از رژیم جمهوری اسلامی

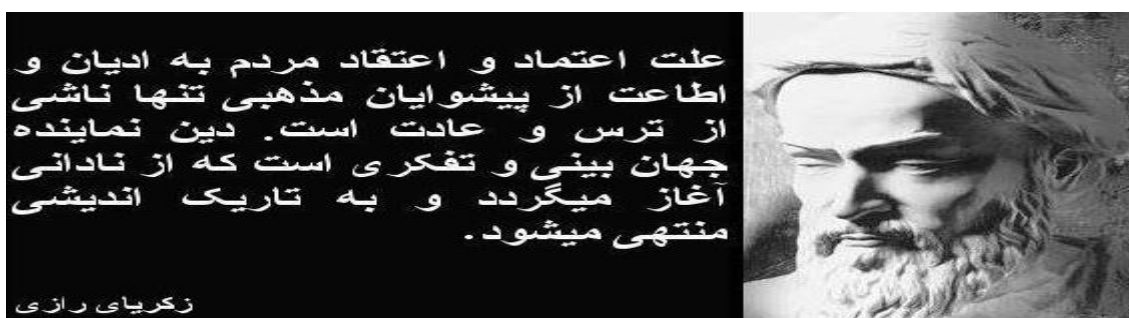
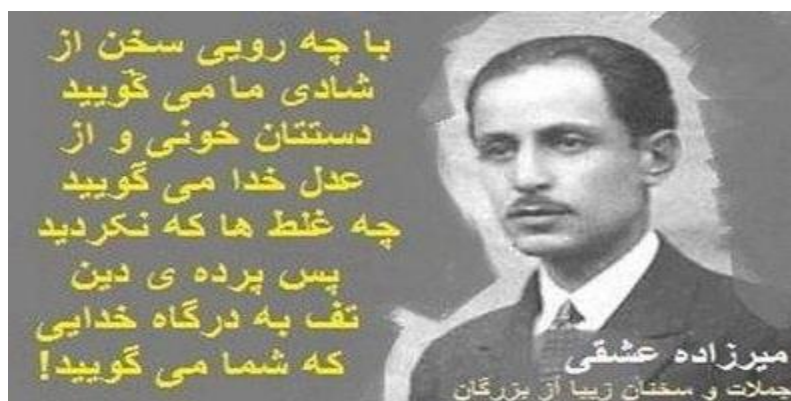
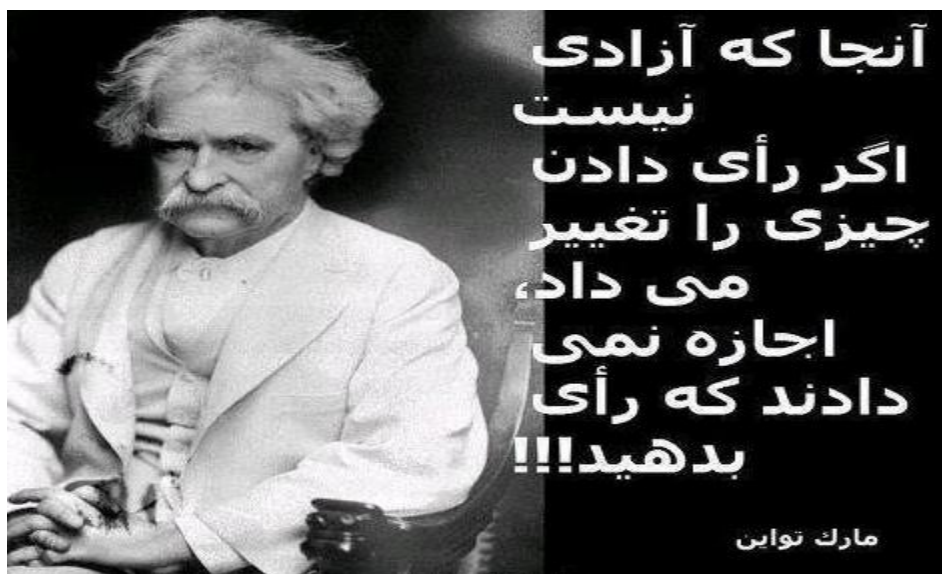
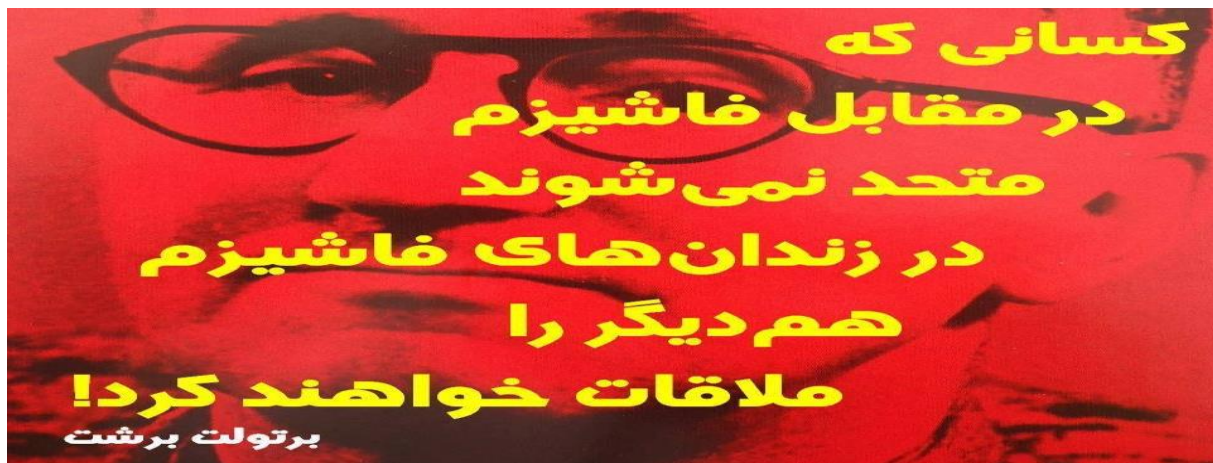
## آئین نامه

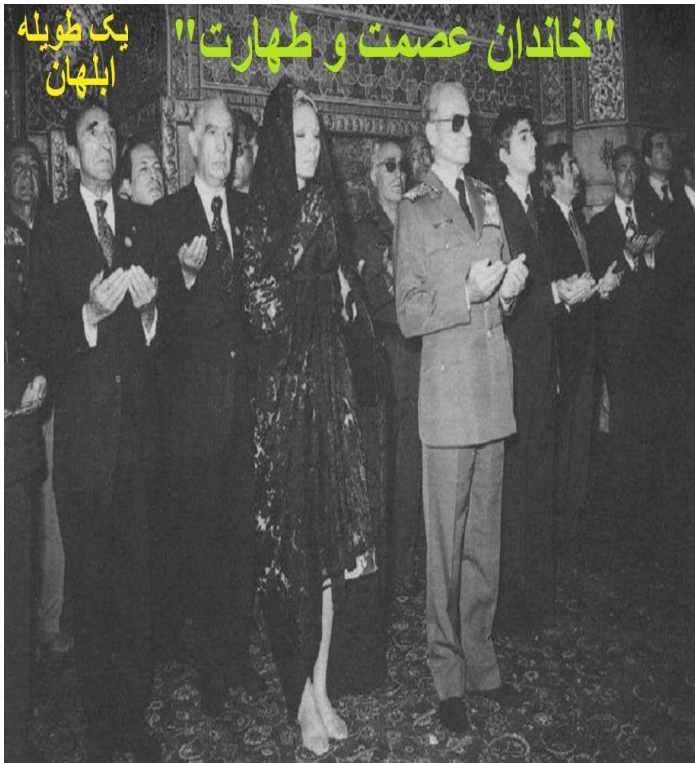
- شرکت در شورا فردی است.
- همه اعضا دارای یک رای هستند و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند.
- شورا مستقل است و به هیچ گروه و سازمان سیاسی و مذهبی وابستگی ندارد.
- تمامی تصمیمات در شورا جمعی است.
- مجمع عمومی اعضا بالاترین ارگان تصمیم گیری است و هر ماه یکبار برگزار میشود.
- مجمع عمومی محل تصمیم گیری، تعیین گروههای کاری، انتخاب هیئت هماهنگ کننده، اهداف و شکل کار شورا است.
- هیئت هماهنگ کننده در مجمع عمومی شورا انتخاب شده و مسئولیت هماهنگی تصمیمات مجمع عمومی اعضا و فعالیتهای توافق شده در مجمع عمومی است.
- پذیرش مسئولیت داوطلبانه است.
- اعضا میتوانند پیشنهادات خود را به مجمع عمومی ارائه داده تا بعد از بحث و تبادل نظر تصویب گردد.
- هیئت هماهنگ کننده هر هفته تشکیل جلسه داده و به اطلاع کلیه اعضا زمان و مکان جلسات را میرساند و اعضا در صورت علاقه میتوانند در جلسات شرکت نمایند.
- تمامی جلسات گروههای کاری شورا برای شرکت اعضا علاقمند آزاد است.
- گروههای کاری در صورت تقبل مسئولیت موظف به اجرا و دادن گزارش به مجمع عمومی هستند.
- حق عضویت شورا حداقل 100 کرون می باشد.

[shorahamkari@gmail.com](mailto:shorahamkari@gmail.com)

مصوب مجمع عمومی شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

25 سپتامبر 2016





یک طویله  
ابلهان

"خاندان عصمت و طهارت"

ممد رضا پهلوی:  
من هرگز از انجام تعهد  
و سوگند خود در حفظ  
و صیانت مذهب شیعه  
اثنی عشری و دفاع از  
آن در مقابل مادی  
گرایان باز ننشستم!!



اعضای هر گروه مخالف سلطنت  
تیر باران می شوند با ختر امروز

**کلیت نظام جمهوری اسلامی باید برچیده شود!**

**زندانهای رژیم مملو از زندانیان سیاسی است!**

**با تشدید رعب و وحشت، زندان، شکنجه و اعدام،**

**رژیم جمهوری اسلامی در ایران می خواهد**

**خود را از بحران سیاسی و اجتماعی نجات دهد!**

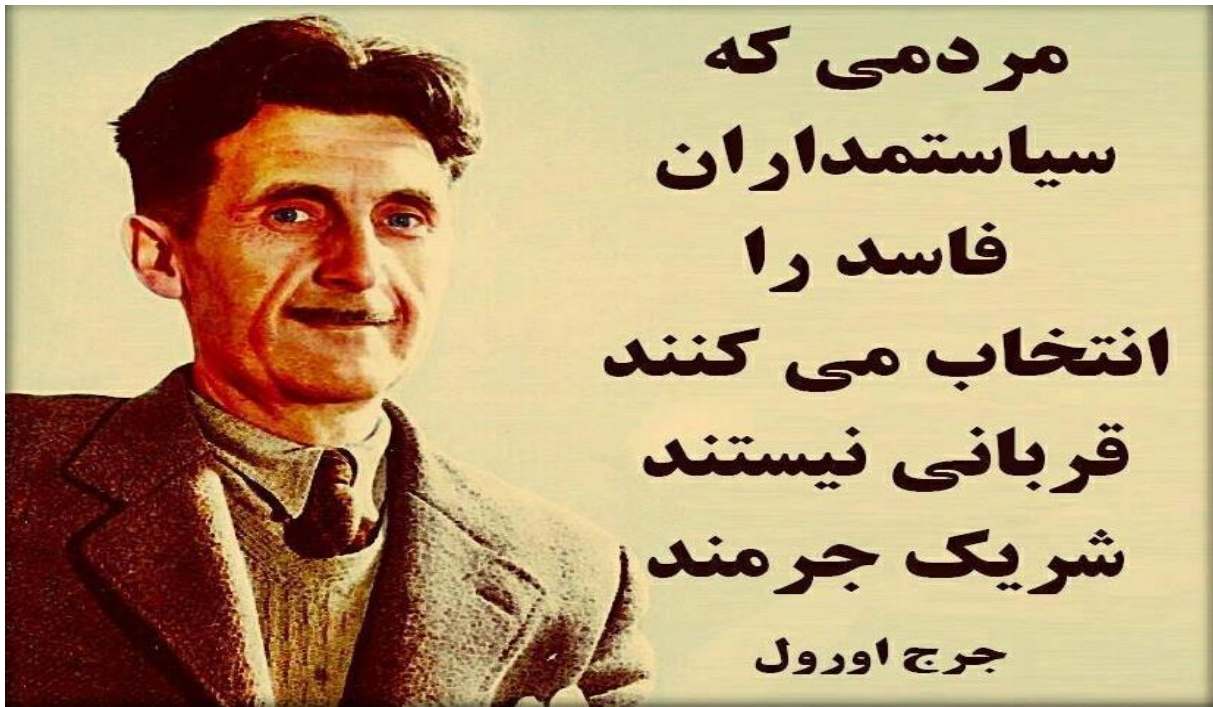
**برای آزادی فوری، بدون قید و شرط زندانیان سیاسی  
متحد و متشکل شویم!**

**پیروزی ما در اتحاد و سازماندهی ماست!**

**علیه زندان، کشتار و اعدام  
متحد و متشکل بپاخیزیم!**



**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران**



# نابرابری اقتصادی در دنیای امروز

دنیا مملو از امکانات اقتصادی و مالی است، کارگران و زحمتکشان دنیا تولید کنندگان اصلی ثروت هستند، اما سهم آنها کمترین حد از ثروتهای تولید شده است و در قبال سرمایه تولید شده فقط چند درصد ناچیزی را بعنوان مزد دریافت میکنند، تا بتوانند زنده بمانند و برای سرمایه باز تولید کنند و سود و سرمایه بیشتری بیافرینند.

## فقر در سراسر دنیا بیداد میکند.

یک درصد دنیا دارای بیشترین ثروت دنیا هستند. 80 درصد دنیا تقریباً هیچ ثروتی ندارند.

دو درصد دنیا برابر با نیمی از جمعیت دنیا ثروت را به خود اختصاص داده اند.

## جمعیت دنیا را 7 میلیارد نفر تشکیل میدهند.

کل ثروت دنیا 223 تریلیون می باشد.

یک درصد ثروتمندان دنیا 43 درصد کل ثروت دنیا را به خود اختصاص داده اند.

80 درصد جمعیت دنیا فقط 6 درصد از ثروت دنیا را برخوردارند.

300 نفر از ثروتمندان دنیا برابر با 3 میلیون نفر از جمعیت دنیا ثروت دارند.

در دنیای امروز اختلاف طبقاتی عمیقتری هر لحظه رو به افزایش است و مداوم تعداد ثروتمندان کمتر و تعداد فقرا بیشتر میشود. اموال و امکانات دنیا دست اندکی از صاحبان سرمایه متمرکز شده است و با قدرت مالی و اقتصادی خود دنیا را آنطور که به نفعشان است، سازمان داده اند. آنها سیاستمدارانی را در راس حکومت میگذارند تا منافع آنها را با سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... حفظ و افزایش دهند.

## در مقابل این سیستم و نظام برده داری مدرن باید یکصدا و محکم است.





اسامی استان‌ها و شهرستان‌های ممنوعه جهت اقامت اتباع غیر ایرانی به تفکیک شهرستان‌های تابعه

ردیف	استان	شهرستان‌های ممنوعه
۱	آذربایجان شرقی	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۲	آذربایجان غربی	اقامت اتباع افغان ممنوع - کلیه شهرهای مرزی استان برای اقامت اتباع غیر ایرانی ممنوع می‌باشد.
۳	اردبیل	اقامت اتباع افغانی ممنوع می‌باشد و اقامت اتباع عراقی در شهرستان‌های پارس‌آباد، بیله‌سوار، گرمی، مشکیزه، شهر و نمین ممنوع می‌باشد.
۴	اصفهان	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های نطنز، فریدن، فریدون‌شهر، سمیرم، چادگان، خوانسار، بخش مرکزی استان اصفهان، دهقان، نائین، گلپایگان، خور و بیابانک، اردستان و بخش ابوزید از شهرستان آران و بیدگل ممنوع می‌باشد.
۵	البرز	اقامت اتباع غیر ایرانی در استان بلامانع است.
۶	ایلام	اقامت اتباع افغانی در سطح استان و اقامت سایر اتباع غیر ایرانی در شهرستان‌های مهران، دهلران و شهرهای مرزی ممنوع می‌باشد.
۷	بوشهر	صرفاً شهرستان‌های دیلم و گناوه برای اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۸	تهران	اقامت اتباع غیر ایرانی در استان بلامانع است به استثناء منطقه خجیر در منطقه ۱۳ شهرداری تهران (برای اتباع افغان).
۹	چهارمحال و بختیاری	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۱۰	خراسان جنوبی	اقامت کلیه اتباع غیر ایرانی در شهرستان‌های مرزی نهبندان، سربیشه، درمیان، قاین، فردوس، سرابان، طبس و زیرکوه ممنوع می‌باشد. اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های بیرجند و خوسف مجاز است. اقامت اتباع عراقی در سطح استان ممنوع می‌باشد.
۱۱	خراسان رضوی	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های مرزی: تربت‌جام، فوجان، تایباد، خواف، سرخس، کلات نادری و درگز ممنوع است.
۱۲	خراسان شمالی	اقامت اتباع افغانی و عراقی ممنوع می‌باشد.
۱۳	خوزستان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان به استثناء شهرستان گنوند ممنوع و اقامت سایر اتباع غیر ایرانی در شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و دشت آزادگان ممنوع می‌باشد. <b>تصوه:</b> اقامت اتباع غیر ایرانی دارای گذرنامه و اقامت معتبر در شهرستان‌های آبادان و خرمشهر بلامانع می‌باشد.
۱۴	زنجان	اقامت اتباع افغان ممنوع - صرفاً شهرستان‌های زنجان و خدابنده برای اقامت اتباع عراقی مجاز می‌باشد.
۱۵	سمنان	منطقه گرمسار و ورودی قصر بهرام، مرکز آمایش معراج یک و منطقه دامغان از جاده جندق به طرف مرکز آمایش سراج برای اقامت اتباع غیر ایرانی ممنوع می‌باشد. اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های شاهرود و دامغان ممنوع است.
۱۶	سیستان و بلوچستان	اقامت اتباع افغانی و عراقی در کل استان ممنوع می‌باشد. اقامت و تردد اتباع غیر ایرانی در شهرستان‌های زلیا، هیرمند و زهک و نیز بخش‌های مرزی شهرستان‌های خاش، ایرانشهر، سراوان و جاپهار ممنوع است.
۱۷	فارس	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های فیروزآباد، فرشبند، داراب، ارسنجان، فسا، مهر، رستم، نی‌ریز و خنج ممنوع می‌باشد.
۱۸	قزوین	به استثناء شهرستان قزوین سایر شهرهای استان برای اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۱۹	قم	اقامت اتباع غیر ایرانی در استان بلامانع است.
۲۰	کردستان	اقامت اتباع افغانی ممنوع - بخش مرکزی شهرستان سنقر و شهرستان‌های بانه و میوان و همچنین شهرهای مرزی استان برای اقامت اتباع غیر ایرانی ممنوع می‌باشد. (به استثنای مهمانشهرها)
۲۱	کرمان	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های مویان، بافت، عنبرآباد، ریگان، بم، قلعه گنج، فاریاب، نرماشیر، کهنوج، جیرفت، انار، فهرج، رودبار ممنوع است همچنین اقامت اتباع عراقی در کل استان ممنوع می‌باشد.
۲۲	کرمانشاه	اقامت اتباع افغان ممنوع - کلیه شهرهای مرزی استان برای اقامت اتباع غیر ایرانی ممنوع می‌باشد.
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۲۴	گلستان	صرفاً شهرستان‌های گرگان و گنبد برای اقامت اتباع افغان مجاز می‌باشد.
۲۵	گیلان	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۲۶	لرستان	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۲۷	مازندران	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۲۸	مرکزی	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های آشتیان، تفرش، خمین، شازند، فراهان، فرمهین، محلات، زرندیه، کمیجان و بخش خنداب از توابع اراک ممنوع می‌باشد.
۲۹	هرمزگان	اقامت اتباع عراقی در شهرستان‌های کیش، حاجی‌آباد، قشم، ابوموسی و جاسک ممنوع می‌باشد. کل استان برای اقامت اتباع افغان ممنوع است.
۳۰	همدان	اقامت اتباع افغان ممنوع می‌باشد.
۳۱	یزد	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های خاتم و بافق ممنوع می‌باشد.

راسیسم و فاشیسم ایده و نظر نیستند،  
راسیسم و فاشیسم جنایت علیه انسانیت اند!  
ناسیونالیسم پایه و اساس نژادپرستی،  
راسیسم و فاشیسم است!

**Nationalism är grunden för  
rasism och fascism!**



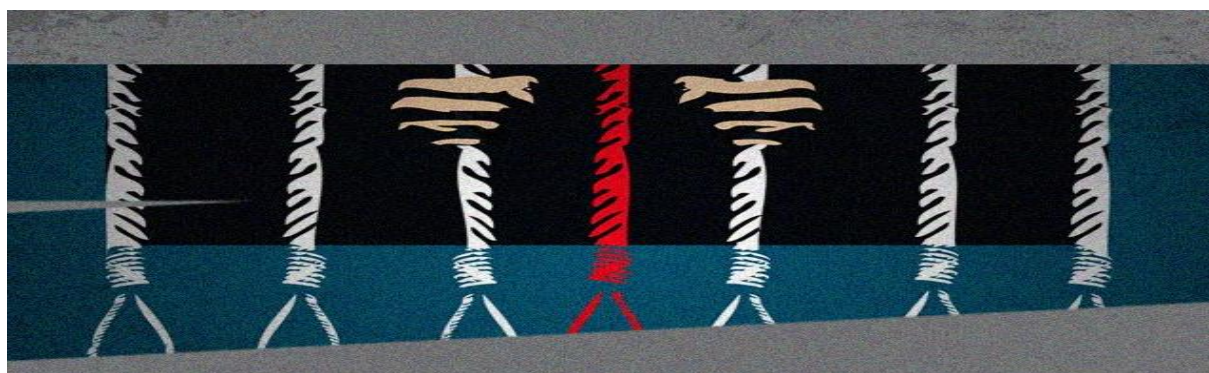
**Rasism och fascism är inga åsikter,  
de är brott mot mänskligheten!**

**Rasism och fascism är vare sig ide  
eller ideologi utan bedrägeri och  
allvariga hot mot mänsklighet.**

**Hela Islamiska regimen i Iran  
är skyldiga  
till massmord av politiska fångar!**

**Vi fördömer Islamiska regimen omänskliga handlingar  
mot alla olikstänkande i Iran!**

**Enade kamp mot den  
Iranska islamiska regimen  
kriminella handlingar!**



**Stoppa arresteringar,  
fängelsestraff, tortyr och  
avrättningar omedelbart!**

# Khavarnas Rop Bulletin

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord

APRIL 2017 NR. 4

[shorahamkari@gmail.com](mailto:shorahamkari@gmail.com)

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord ser det som en plikt att anordna protester mot avrättningar, dödsdomar och fängelsestraff i Iran och visa solidaritet med alla familjer vars medlem/medlemmar har fängslats, torterats och avrättats av den kriminella islamiska regimen i Iran.

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord ser livet som en existentiell rätt för var och en. Ingen människa ska få dödsstraff på sig, gäller även en med farlig kriminell bakgrund.

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord vill solidariska samhälleliga förebyggande insats för alla och frihet i dess vida bemärkelse för alla medborgare.

Det är mot denna bakgrund som Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord kallar till protest möte och aktion för politiska fångars frihet och mot dödsstraff och avrättning, i en enad kamp mot den islamiska republikens tyranni och förtryck i Iran.

